

# همسر گزینی

دکتر بهنام اوحدی

آشنایی با بنیان های همسر و خانواده گزینی در آدمی

# آشنایی با بنیان های همسر و خانواده گزینی در آدمی

## ناهمگونی در همانندآفرینی

دکتر بهنام اوحدی\*

دیویدسی گپری ، یا کوبوی ژیل و جنیفر بایردکراون از دانشگاه میسوری کلمبیا « دگرگونی همسرگزینی و خانواده سازی آدمی » را به گونه ای همه سونگرانه ارزیابی کرده اند.

این ارزیابی، نظریه‌ی تکامل و پژوهش‌های تجربی درباره ی همسر و خانواده گزینی را از گونه‌های نا انسانی تا آدمی بازبینی نموده و به دستاوردهای در خور ژرف اندیشی رسیده است.

### همسر گزینی در گونه‌های نا انسانی

داروین و والاس هر يك به گونه ای جداگانه مکانیزم نخستین یعنی « گزینش طبیعی » را کشف کردند که دگرگونی های تکاملی را در درون هرگونه پدید آورده و به پیدایش گونه‌ی نوینی می‌انجامد. داروین همچنین مکانیزم‌های دیگری را که درون گونه‌ها رخ می‌دهند و فاکتورهای اساسی تکامل تفاوت‌های جنسی را کشف کرد. این مکانیزم‌ها « گزینش جنسی » نامیده شده‌اند.

این گزینش شامل پیشی جویی درون اعضای همجنس بر سر جفت‌ها و گزینش مو شکافانه و دقیق شریک زندگی است.

شایع‌ترین پویایی در همسرگزینی، پیش جویی نرها با یکدیگر برای به دست آوردن همسر و پیروزی در برگزیدن ماده‌هاست. اما چرا این پویایی تا این اندازه شایع است؟ داروین در سال ۱۸۷۱ گزینش جنسی را بیان کرد، اما هویدا نساخت که چرا نرها گرایش دارند که بر سر جفت‌های شان رقابت کنند و چرا ماده‌ها انتخاب کننده ترند.

پس از يك سده، ویلیامز در سال ۱۹۶۶ و تریورز بیان کردند که هر گونه تفاوت جنسی در گرایش برای پیش جویی یا برگزیدن، به طور عمده – اما نه اختصاصی – به میزان سرمایه گذاری هر جنس در مسئله ی والدی بستگی دارد.

آن جنسیتی که سرمایه گذاری والدی بیشتری را به دوش می‌کشد، يك همانندآفرینی (تولید مثلی) مهم برای اعضای جنس رو به رو می‌شود و این يك دلیل پیشی جویی اعضای با سرمایه گذاری کمتر والدی (اغلب نرها) بر سر اعضای با سرمایه گذاری والدی بیشتر (اغلب ماده‌ها) است. بدین‌گونه اعضای با سرمایه‌گذاری والدی بیشتر خواهان و خریدار بیشتری دارند.

### ناهمگونی های جنسی در نرخ و آهنگ همانندآفرینی

ناهمگونی های جنسی در این زمینه، بر پایه ی محدودیت های زیست شناختی همانند آفرینی نرها و ماده‌ها در درازای عمرشان است.

بدین گونه که محدودیت پستانداران ماده با درازای دوره‌ی بارداری و نیز دوره‌ی شیردهی پس از زایمان ارتباط دارد، اما محدودیت پستانداران نر با شمار ماده‌هایی هویدا می‌شود که پستانداران نر می‌توانند به آن‌ها دستیابی جنسی داشته باشند.

بنابراین در يك فصل همانندآفرینی، جنس ماده به گونه ی معمول يك فرزند می‌آورد، در حالی که جنس نر - که در پیشی جویی برای دستیابی به جنس ماده پیروز و کامیاب بوده است - می‌تواند فرزندان فراوانی پدید آورد.

این امر بدان دلیل است که جنس ماده سرمایه‌ی فراوانی برای امر والدی می‌گذارد، در حالی که جنس نر چنین سرمایه‌ای نمی‌گذارد. چنین حالتی در بیش از ۹۵ درصد گونه‌های پستانداران دیده می‌شود. سوگیری‌های رفتاری وابسته‌ی این امر، ترجیح نرها برای داشتن همسرهای پرشمار و نیز گوناگونی در برآمدهای همانندآفرینی نسبت به ماده‌هاست. برخی نرها فرزندان بسیاری پدید می‌آورند و برخی هرگز فرزندی ندارند؛ این پویایی است که بر پیشی جویی نر با نر را می‌افزاید.

#### نسبت جنسیتی عملیاتی

نسبت جنسیتی عملیاتی، نسبتی از نرهای کنشگر، به ماده‌های کنشگر از دیدگاه جنسی در يك جمعیت مشخص بارور و زیاست که به نرخ و آهنگ همانندآفرینی بستگی دارد. در يك جمعیت که بسیاری از ماده‌های بالغ از دیدگاه جنسی چون نرها، با يك نسبت جنسی واقعی يك به يك وجود دارند، هرگونه ناهمگونی جنسی در نرخ و آهنگ همانندآفرینی، این نسبت جنسیتی عملیاتی را دگرگون خواهد کرد. پستانداران نر يك نرخ بالقوه‌ی همانندآفرینی پرشتاب‌تر از ماده‌ها دارند و بنابراین به گونه ی معمول شمار نرهای پذیرا از لحاظ جنسی، بسیار بیشتر از ماده‌ها در بیشتر جوامع است.

سوگیری پدیدآمده به افزایش پیشی جویی با نر در دستیابی به يك شمار محدود ماده‌ی پذیرنده‌ی آمیزش خواهد بود. پیش جویی نر با نر، شرایطی را پدید می‌آورد که در آن برگزیدن ماده‌ها دگرگون می‌شود.

در گونه‌هایی که ماده‌ها يك نرخ و آهنگ همانند آفرینی شتابان تري دارند (براي نمونه، گونه‌هایی که نرها روي تخم‌ها مي‌خوابند) اين ماده‌ها هستند که پیشی مي‌جویند و این نرها ایند که برمي‌گزینند.

## همسرگزینی

از آن جا که ماده‌ها نسبت به نرها گرایش بیشتری به سرمایه‌گذاری در امر والدي دارند، برگزیدن از سوي ماده‌ها شایع‌تر از نرهاست. این امر در گونه‌های پرندگان، حشرات، ماهی‌ها، خزندگان و پستانداران نشان داده شده است.

يك دستاورد گزینش از سوي ماده‌ها، دگرگونی ویژگی‌های گزافه‌آمیز نرینه است؛ همانند آن چه درباره‌ی درازای پره‌های دم پرندگی نر مرغ مگس‌خوار دیده می‌شود که گزینش از سوي پرندگی ماده بر پایه‌ی آن انجام می‌شود (درست مانند آن چه درباره‌ی دم طاووس نر دیده می‌شود).

این چنین ویژگی‌هایی، نشان دهنده‌ی سلامتی ژنتیکی و فیزیکی نر و توانایی او برای به دست آوردن غذا و سرمایه‌گذاری والدي در پیش چشم و ذهن پرندگی ماده است.

سلامتی ژنتیکی و فیزیکی پرندگی نر وابسته به « برتری ایمنی » آنان است که آن‌ها را نسبت به عفونت‌های انگلی زیست بوم محلی شان مقام می‌سازد. چنین پیش چشم و ذهن نشسته که برتری ایمنی توارث پذیر است و بنابراین فرزندان این گونه نرهای دارای ویژگی‌های گزافه‌آمیز - پره‌های بلند دم - بیشتر عمر می‌کنند.

## به دنبال مرد دانا، توانگر و سرفراز

همسرگزینی در آدمیان

درآمدی نیز، چه مرد و چه زن، همسرگزینی از الگوی دیگر پستانداران پیروی می‌کند. مردان به شدت برای دستیابی به همسر برتر یا همسران پرشمارتر پیشی می‌جویند، اما در همین حال، بسیاری از مردان برای رفاه فرزندان شان وقت گذاشته و سرمایه‌گذاری می‌کنند.

این والدی مردان، پویایی‌گزینش جنسی را پیچیده‌تر می‌سازد. افزون بر پیشی جویی مرد با مرد و گزینش از سوی زنان، پیشی جویی و ستیزه جویی زنان با زنان و گزینش از سوی مردان نیز شایع است.

برگزیدن همسر برتر و شناخت‌های اجتماعی همراه با آن و رفتارهای زنان و نیز مردان بر بهره جویی از پتانسیل‌ها و سرمایه‌گذاری‌های همانندآفرینی بنیان گذاشته شده است.

پتانسیل همانندآفرینی، توانایی افراد برای سرمایه‌گذاری در رشد، پرورش و شایستگی‌های همانندآفرینی و اجتماعی فرزندان است و سرمایه‌گذاری‌های همانندآفرینی، به کار گرفتن این پتانسیل‌ها برای فرزندان است.

در بیشتر پستانداران، روابط جنسی کوتاه مدت هستند. سرمایه و وقت‌گذاری‌نرها، درازای این دوره‌ی بالقوه را افزایش می‌دهد؛ به گونه‌ای که در آدمی می‌تواند به دهه‌ها نیز بینجامد.

به طور کلی، زنان از روابط کوتاه مدت دوری می‌جویند، چرا که هزینه‌های بالقوه آن (خطر عفونت‌های آمیزشی، ریسک بارداری و بی‌ارزشی نسبت به همسری بلند مدت) بر منافع بالقوه آن (دریافت برخی منابع، آوردن فرزند با ژن خوب) می‌چربد.

دقیقاً الگویی و ازگون در مردان دیده می شود و هویداست که سودهای این روابط کوتاه مدت برای مردان (نبود مسئولیت و سرمایه گذاری والدی همزمان با پاسداشت توانایی بالقوه همانندآفرینی) بر هزینه های بالقوه آن (خطر عفونت های آمیزشی، سرمایه گذاری برخی سرچشمه ها) می چربد.

هنگامی که مردان متعهد به یک رابطه بلند مدت می شوند، هزینه ها افزایش یافته و بنابراین، اندازه و درجه ای گزینش افزایش می یابد. بیشتر مردم از چنین الگوهای آگاه نیستند، اما در عمل این گونه رفتار می کنند.

## همسر گزینی زنان

منطق تکاملی نشان می دهد که برای زن، یک یار و شریک دیرپا با زن های خوب و پتانسیل همانندآفرینی (تولید مثلی) لازم و نیز دارای میل و دلبستگی به صرف وقت و سرمایه گذاری برای همسر و فرزندان، بهترین گزینه و حالت ممکن است.

چنین مردی باید منابع مالی و اجتماعی خوبی برای بچه ها داشته باشد. جایگاه اجتماعی - اقتصادی و کامیابی های فرهنگی می تواند نماد و بیانگر این منابع باشد.

## مردان کامیاب و سرفراز

نر های چیره (غالب) در گونه های پریمات ها، پاسداری بیشتری از هموعان خود می نمایند و غذای بهتر و بیشتری را به دست می آورند.

بدیهی ست جایگاه اجتماعی مردان هم یک برتری بخشی (ترجیح) مهم برای گزینش (انتخاب) از سوی زنان است. هر چند جایگاه اجتماعی از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر متفاوت است.

مردان دارای توانمندی و کامیابی‌های اجتماعی، نفوذ فراوانی در جامعه داشته و بر منابعی که مورد توجه زنان است، چیرگی و کنترل دارند و نیازهای زنان و فرزندان را بهتر بر آورده می‌نمایند. یعنی به عبارت دیگر، این گونه مردان، پتانسیل همانندآفرینی (تولید مثلی) بیشتری نسبت به دیگر مردان دارند و زنان می‌پندارند که آن‌ها این توانایی‌ها و دارایی‌ها را در راستای رفاه و خوشبختی دودمان و خانواده‌ی خود صرف می‌کنند.

دلیل هم کاملاً هویداست: در همه‌ی فرهنگ‌های مورد مطالعه، فرزندان مردان توانمند و کامیاب مرگ و میر (مورتالیته) پایین‌تری دارند و از سلامتی‌پیکری و روانی بالاتری برخوردارند و در بزرگسالی بیشتر عمر می‌کنند.

در بسیاری از فرهنگ‌ها، گزینشی که از سوی زنان انجام می‌شود، زیر نفوذ و اثر پذیرفته از خواست‌ها و دل‌بستگی‌های خویشان آن‌هاست.

برای نمونه، در کیپ سیگیس کنیا، گسردگی زمین و گله‌ی دام مردان، تأثیر زیادی در گزینش از سوی زنان جوان و خانواده‌ی آن‌ها دارد؛ چرا که زمین و گله به معنای خوراک و توانگری (غذا و ثروت) و بنابراین بروز پایین‌تر بیماری در زنان و فرزندان آن‌هاست.

زنان زیر تأثیر اندازه و کیفیت منابعی که از سوی همسرشان فراهم می‌شود، تصمیم می‌گیرند که به زناشویی ادامه دهند یا ندهند. نبود پشتیبانی لازم و کافی، و فراهم آوردن ناکافی منابع ضروری در بسیاری از جوامع، عامل مهم طلاق و جدایی بوده است.

شریک زناشویی رویایی و ایده آل زنان در بیشتر موارد با یار واقعی که با او ازدواج می‌کنند، اصلاً همخوانی ندارد؛ چرا که بسیاری از زنان در رقابت با دیگر زنان عقب می‌مانند و از سوی مردان ایده آل‌شان برگزیده نمی‌شوند.



در ارزیابی شیوه‌های همسرگزینی، در همه‌ی فرهنگ‌ها، زنان «دورنما و چشم‌انداز اقتصادی خوب» را بیشتر از مردان پیش چشم و ذهن می‌نشانند. وجود آزمندی (جاه‌طلبی) و سخت‌کوشی در یار زندگی، برای زنان مهم‌تر از مردان است؛ شاید بدین دلیل که این دو ویژگی، نمادی از پتانسیل همانند آفرینی (تولید مثل) هستند که به کامیابی و سرفرازی فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی می‌انجامند.

زنان در یک ارزیابی بیست ساله بیان داشتند که جایگاه اجتماعی- اقتصادی برای شان از دیگر ویژگی‌های مهم‌تر است. این واقعیت را سه نفر از هر چهار خانم بیان داشتند. هر چند گذشته از سن، نژاد و جایگاه اجتماعی - اقتصادی، زنان بیشتر خواستار مردانی هستند که دانش آموخته‌تر بوده و پول بیشتری در می‌آورند و این موارد را به سیمای گیرا و زیبا برتری می‌بخشند. هر چند به هر حال، ارزیابی سود و زیان هم انجام می‌دهند تا ببینند شاهین ترازو به کدامین سو سنگینی می‌کند.

به هر حال کامیابی و سرفرازی فرهنگی شوهر یک نیاز و ضرورت برشمرده می‌شود و دیگر ویژگی‌ها یک تجمل. زنان انگلیسی سه برابر مردان انگلیسی و زنان ژاپنی سی و یک برابر مردان ژاپنی به دنبال ایمنی مادی و اقتصادی بوده‌اند.

چه در نول‌های نو معاصر و چه در نول‌های رمانتیک کلاسیک، اغلب همیشه مرد نخست داستان، یک مرد مسن، توانگر و قدرتمند در اجتماع است که در پایان با زن یا دختر داستان ازدواج می‌کند.

در بررسی‌ها آشکار دیده شده که زنانی که با مردان مسن‌تر و دانش‌آموخته‌تر ازدواج کرده‌اند، فرزندان بیشتری داشته، و کمتر احتمال داشته که جدا شوند. همچنین سطوح بالاتری از رضایت زناشویی را نسبت به زنانی که با مردان جوان‌تر و کم‌دانش‌تر ازدواج کرده‌اند، داشته‌اند.

منبع : مجله پژوهش‌های جنسیت

\*روانپزشک و درمانگر مشکلات جنسی ، زناشویی و خانوادگی